



## جنبش طبقه کارگرایران گام به گام با جنبش وال استرت

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری ایران

سایت سلام دمکرات (آزمایشی) یکشنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۱۲، پوسيله ی [Ahmad Farsi](#)

بیش از چند ماه است که جنبش ضد سرمایه داری از پشت درهای مرکز انباشت سرمایه داری جهان شروع شد. این جنبش زودتر از آن که به فکرشان برسد سراسر جهان را فرا گرفت. شعار اصلی این جنبش "۹۹٪ هستیم". بر علیه سرمایه داری جهان، که یک درصد از جمعیت سراسر کشورها را تشکیل داده، حلقه مشترک حقیقی و واقعی این جنبش اعتراضی، و آن نه بزرگی است به مناسبات تولید اجتماعی سرمایه داری موجود در تمامی کشورها، اعتراض بی همتایی که بر علیه مناسبات غیر انسانی رایج نظام سرمایه داری جهانی، مطالبه زندگی انسانی که شایسته همه انسانهاست را در همه جا فریاد زدند. سرمایه داری که بیست سال پیش هلله کنان و پای کوبان، فرو ریختن نظام سوسیالیستی در بلوک شرق (به ضم خودشان) را جشن گرفتند. صدای شیپور پیروزی سرمایه داری با نظم نوین جهانی بر نظام سوسیالیستی موجود در بلوک شرق بلند شد چنان که امواج آمیخته به سرور و شادی در منظومه شمسی توسط ماهواره های کهکشان پیمایشان سراسر جهان شنیده شد. سالها با شادی و سرور از فرو ریختن نظام سوسیالیستی بلوک شرق سرمست بودند. هلله سرمایه داران موازی با قحطی و گرسنگی، فقر و تن فروشی مردم بلوک شرق همراه بود. و چه بی شرمانه دنیای بزرگ کرده جهان آزاد سرمایه داری را به رخ مردم گرسنه و قحطی زده می کشیدند. و با برپایی جنگ قومی و ناسیونالیستی که از ابزارهای منحوس شان است، به استقبال مردم رها شده از نظام سوسیالیستی به (ضم خودشان) شتافتند. جنگ در یوگسلاوی!، غافل از آنکه اساسا سوسیالیسم در بلوک شرق ایجاد نشد و شکست سرمایه داری دولتی ناسیونالیستی را همان نظام سوسیالیستی قلمداد شد، تا بر حقانیت جهان وارونه نظام سرمایه داری شان اصرار ورزند و تنها نظم نوین جهانی سرمایه داری را محق بدانند، اما بر حسب ویژگی سرمایه داری، بحران اقتصادی اش اینک از راه رسیده است و آن زمان شکوفایی شان، که مقارن با برچیده شدن دیوارهای برلین بود، گذشته است. اکنون سرمایه داران، همان کارفرمایان کارتل ها و تراستها، غولهای جهان خوار انحصاری با متخصصان و کارشناسان به خلوت گاه خود خزیده اند و کتاب "کاپیتال" کارل مارکس را جلوی خود گشوده اند تا عاقبت نظم نوین جهانی شان را از معادلات و مجهولات سرمایه داری را که مارکس بر آن آگاه بود و آنها را کشف کرد و نگاشت، راه برون رفت شان را بیابند. به گفته مارکس، تاریخ دو بار تکرار می شود، یکبار به صورت کمدی و بار دیگر به صورت تراژدی. این جنبش اعتراضی ۹۹٪ درصدی مردم، آبنسین تحولاتی بزرگ است که اینک برای سرمایه داران تراژدی شده است. رشد تکنولوژی که از مشخصه های زندگی اجتماعی جامعه انسانی است، قبل از هر چیز جهت تامین و تضمین منافع سرمایه داران پدید می آید اما این نظام سرمایه داری کریه و ضد انسانی همواره محو کنندگان خویش را نیز بهره مند می

سازد. اذهان عمومی جهان درست پایه پای انقلاب صنعتی این قرن تکنولوژی ارتباطات از رشد به سزایی برخوردار شده است و این جنبش اعتراض سراسری نیز مدیون این انقلاب تکنولوژی است. طبقه کارگر که پیش روی این جنبش اعتراضی ضد وال استریت است، زیرا که بر حسب تجربه به درک درستی دست یافته است و آن این است که جهان از نیروی کار آنان است که موجودیت دارد پس حق زندگی انسانیشان را مطالبه می کنند. از پس لرزه های جنبش اعتراضی طبقه کارگر، روزی نیست که خواب را بر چشمان دریده کارفرمایان راحت بگذارد، از پشت دیوارهای وال استریت تا خیابانهای پترزبورگ و مسکو و از شمالی ترین کشور اروپایی تا میدین یونان و ایتالیا و از شمال افریقا تا انتهای آسیای شرقی این جنبش را در می نوردد. مردم بلوک شرق که در همان اولین سالهای آزاد شدنشان مجدداً به کاندیدای سوسیالیسم سابق رای مثبت دادند. از بهار نیکویشان که سرمایه داران غرب نویدشان داده بودند سالشان را دریافتند. حال آنچه در بلوک شرق اتفاق افتاده بود تنها شبیه سوسیالیسم بود نه خود نظام سوسیالیسم. در آن تن فروشی یافت نمی شد، کودکان به کار گمارده نمی شدند کارگران دغدغه خانه و کرایه خانه و خانه به دوشی سال به سال را نداشتند آزادی زنان، رشد و توسعه فرهنگی در عرصه ادبیات و سینما و دیگر هنرها از دست آوردهای یک انقلاب ضد سرمایه داری منتج شده بود اما سوسیالیسم اصلاً ایجاد نشد، در هر صورت ترس و وحشت سرمایه داری از "تنها شبیه و نام خالی سوسیالیسم" آشکارا پیدا بود و این جنبش اعتراضی علیه وال استریت نشینها (سرمایه داران) روزی به نحو کامل مناسبات تولید اجتماعی منجر خواهد شد، و تنها جایگزین آن حاکمیت ۹۹٪ درصدی مردم، همانا طبقه کارگر و مزد بگیر است. افق پیش روی این جنبش اعتراضی ۹۹٪ درصدی که پرچم آن از هم اکنون به دست کارگران است، نوید یک زندگی شایسته انسانی است. کارگران ایران نیز به نوبه خود سهم خود را در جنبش ضد وال استریت بارها تجربه کرده اند، از اعتراضات کارگران معادن باب نیروز، سرچشمه کرمان گرفته تا معادن سنگ آهن شمال، از نساجی های یزد و کاشان گرفته تا کارخانه نساجی بارش اصفهان. رشد اعتراضات و اعتصابات کارگران ایران، خصوصیت و ویژگی جنبش اعتراضی بر علیه نظام اقتصادی و سیاسی سرمایه داری موجود در ایران را نیز پرچمداری می کنند. چنانکه از راه پیمایی کیلو مترهای کارگران تا ارگان های دولتی، تجمع در مقابل وزارت خانه ها گرفته تا استاندارها و نهاد ریاست جمهوری و مجلس به بستن خیابانها و اشتغال دفاتر کار فرمایان، همه این ها نیز به همان جنبش ضد سرمایه داری جهان تعلق دارد. طبقه کارگر جهانی که ۹۹٪ درصد مردم جهان را تشکیل می دهند، با افق روشنی حرکت می کنند و آن "نه" بزرگی به این جهان وارونه سرمایه داری موجود در جهان است، که انسانها را از اختیار خود هستند. انسانهای بیگانه، ساخته و پرداخته نظام اجتماعی سرمایه داری است که از خود بیگانه اند. و این جنبش به آنها تعلق دارد. تنها طبقه کارگر است که قادر به نحو نظام سرمایه داری است. طبقه کارگر جهان پرچم دار این جنبش های اعتراضی در جهان است. این جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. طبقه کارگر نیز سالهاست که درگیر این جنبش است، راه دیگری وجود ندارد. تنها چاره برون رفت از این زندگی تحت سلطه سرمایه داری، حاکمیت ۹۹٪ درصدی مردم کشورهاست. افق این جنبش نحو نظام سرمایه داری است، زیرا که خلاصی همه انسانها از این وضعیت کریه غیر انسانی، واژگونی نظام سرمایه داری است (وبس) (شنبه ۲۴ دی ماه ۱۳۹۰)